هفته نامۀ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم –سال دوازدهم –شمارۀ هجدهم ۵ اسد ۱۳۹۲ ۱۸ رمضان المبارک ۱۴۳۴ - 27 July 2013



امریکا نباید به چشم پاکستان به افغانستان ببیند، بلکه برای حل مشکل افغانستان، باید پروژه های ملی مطرح شود.

از سخنان رهبر شهید

دیدار جداگانۀ رئیس جمعیت اسلامی افغانستان با سفیر جمهوری خلق چین و اعضای شورای اخوت اسلامی



روز پنجشنبه ۳ اسد هجری خورشیدی محترم صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح با سفیر جمهوری خلق چین در کابل، آقای زوفی هونگ Xu feihong ملاقات نمود. در این ملاقات هر دو طرف پیرامون اوضاع جاری افغانستان، پیشترفت های اقتصادی، پروسۀ صلح بحث و گفتگو نمودند.

قرار است آقای هونگ در آیندۀ نزدیک و پس از ختم ماموریت در افغانستان به کشورش برگردد.

چین بزرگترین قدرت اقتصادی جهان و یکی از همسایه های کشور ما به حساب می رود. این کشور طی سال های اخیر روابط خوب به افغانستان داشته و خواهان سرمایه گذاری در بخش معادن کشور است. دولت افغانستان در سال ۲۰۰۸ قرارداد مس عینک ولایت لوگر را به ارزش میلیون ها دالر به کمپنی MCC این کشور عقد نمود.

در پی ملاقات ها این بار رئیس جمعیت اسلامی افغانستان طی هفتۀ گذشته، با اعضای شورای اخوت اسلامی که متشکل از علمای سنی و شیعه هستند، دیدار و گفتگو نمود.

آقای ربانی نقش علماء را در تنویر و رهبری جامعه ستود و از آنان خواست با صلابت در برابر توطیه های دشمنان مردم افغانستان بایستند و در نزدیکی مذاهب، وحدت و همدلی تمام مردم افغانستان تلاش نمایند.

در این دیدار رئیس جمعیت اسلامی افغانستان، گفت: ماه رمضان فرصت خوبی برای ابراز همدلی و برادری است، علمای کشور با استفاده از این فرصت نقش هدایتگری خود را باید در جامعه تسریع بخشند.

سلب صلاحیت از شما و دادن صلاحیت از ما!

◇ عنایت

مجلس نمایندگان کشور روز دوشنبه۳۱ سرطان غلام مجتبی پتنگ وزیر امور داخله را استیضاح و سلب صلاحیت نمود. متعاقب این تصمیم مجلس، دفتر رئیس جمهور واکنش نشان داد و با صدور اعلامیۀ این تصمیم مجلس را نپذیرفت و موضوع را به دادگاه عالی یا ستره محکمه ارجاع نمود. در اعلامیۀ دفتر حامد کرزی آمده است: حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان در حالی که مطابق قانون اساسی کشور استیضاح و دادن رأی عدم اعتماد را حق نمایندگان ملت می داند، اما در عین زمان تصریح می نماید که رأی عدم اعتماد از وزیر، باید بر اساس دلایل موجه و مطابق قانون باشد.

مادۀ ۹۲ قانون اساسی تصریح می کند که مجلس در صورتی می تواند وزراء را استیضاح کند که دلایل موجه و قانونی داشته باشد. اما اینکه موجه بودن و قانونی بودن دلایل استیضاح را کدام مرجع مشخص می کند؟ قانون تصریح نکرده است.

از آنجایی که روند استیضاح و رأی عدم اعتماد در کل یک مسئلۀ سیاسی و مربوط به مجلس است، حقوق دانان معتقدند که مجلس نمایندگان ارجح ترین مرجعی است که می تواند این موجه بودن یا موجه نبودن را مشخص کند.

نادیده گرفتن تصمیم و فیصلۀ مجلس نمایندگان یک بار دیگر روابط میان ارگ و خانۀ ملت ص۴

دمپسی و ضرب الاجل تازه!

◇ وحید مژده

جنرال مارتین دمپسی رئیس ستاد لوی درستیز های امریکا در سفر اخیر خویش به کابل گفت که، امریکا در تلاش است تا قرارداد امنیتی با افغانستان در مدت هفتاد روز یعنی تا ماه اکتوبر به امضاء برسد. وی شام دوشنبه در کنفرانس مطبوعاتی در کابل اظهار داشت که در این رابطه گفتگو های مثبتی با رئیس جمهور کرزی داشته است. وی گفت که امریکا در تلاش است تا این قرارداد هرچه زود تر به امضاء برسد تا زمینۀ حضور نظامیان امریکایی بعد از سال ۲۰۱۴ در افغانستان فراهم گردد.

دمپسی در جواب به این سوال که آیا امریکا در مورد گزینۀ صفر یعنی خروج تمام نیروهایش بعد از سال ۲۰۱۴



از افغانستان چه تصمیمی گرفته است گفت که، در این مورد هنوز فیصلۀ نهائی صورت نگرفته است اما اگر گفتگو ها میان امریکا و حکومت افغانستان بر سر امضای پیمان امنیتی به نتیجه نرسد، شاید امریکا تمام نیروهایش را بعد از سال ۲۰۱۴ از افغانستان خارج سازد. حدود یک ماه قبل و بدنبال گشوده شدن دفتر طالبان در قطر تحت عنوان و بیرق امارت اسلامی افغانستان، حامدکرزی مذاکرات بر سر پیمان امنیتی با امریکا را به حالت تعلیق درآورد و در ملاقات روز ۱۲ سرطان در ملاقات با سناتور جان مک کین و سناتور لیدنسی گراهام، کرزی از تعلیق این مذاکرات دفاع کرد و گفت که، این قرارداد در صورتی به امضاء خواهد رسید که خواست های حکومت افغانستان پذیرفته شود. در این ملاقات وی گفت که، اعتماد مردم افغانستان به امریکا خدشه دار شده و امضای ص۳

فواید روزه از دیدگاه طب

ص۶



در هلال سبز چه می گذرد؟

ص۵



د مصر د دفاع وزیر خپل ولس کورنۍ جګړې ته بللي!!

۶مخ

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس:وزیر محمد اکبرخان سرک۱۵کوچه B5خانه نمبر۲۶۲
شمارۀ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

آیا این سفرها ره بسوی صلح خواهد بُرد؟

یکشنبۀ هفتۀ که گذشت، سرتاج عزیز مشاور امنیتی صدراعظم پاکستان، در پهلوی فراهم نمودن زمینۀ بازدید حامد کرزی از پاکستان، با مقام های ارشد افغان نیز ملاقات هایی داشت. آقای عزیز برای کمک به عادی سازی روابط اسلام‌آباد – کابل تأکید داشت، اما گفته است که کشورش نمی‌تواند برای موفقیت روند صلح افغانستان تضمین بدهد. وی همچنان پیش از سفر به کابل، به اسوشیتدپرس گفته بود، طالبان به آنها گوش فرا می دهند و تا حدی در طالبان نفوذ نیز دارند اما نمی توانند آنها را اداره کنند.

نوازشریف صدراعظم پاکستان یک روز پیش از سفر آقای عزیز در دیدار از وزارت امور خارجۀ کشورش گفته بود، هیچگاه از گروه های که در نا امنی های افغانستان دست داشته اند، پشتیبانی نکرده، بلکه پاکستان همیشه خواهان یک افغانستان متحد و واحد بوده است.

گرچه بارها سران هر دوکشور با هیئت های بلند پایه به کشورهای یکدیگر سفرهای به منظور آوردن صلح، تحکیم روابط بین کشورهای شان داشته اند، اما به زودی روابط تیره گردیده و یکی در متهم کردن دیگری برآمده اند. روابط افغانستان و پاکستان از سال ها بدینسو پر تنش بوده و یکی دیگری را در مواردی متهم نموده اند. خصوصاً در حمایت از طالبان و گروه های مسلح مخالف دولت، افغانستان پاکستان را متهم نموده است که لانه های تروریسم در خاک آن کشور است و افراد انتحاری و هراس افگن از آنسوی خط دیورند وارد افغانستان می شوند.

این تنش هادر پی راکت پراگنی پاکستان در برخی مناطق سرحدی افغانستان و همچنان حملات انتحاری سازمان داده شده به جان شهید صلح استاد برهان الدین ربانی و اسدالله خالد رئیس عمومی امنیت ملی، شدت گرفت. روابط افغانستان با کشور هندوستان که رقیب سرسخت پاکستان می باشد، نیز بر خشم آنکشور افزوده است.

در حالی که پاکستان خود قربانی تروریزم و طالبان گردیده، آنکشور به دلایلی، توجۀ چندانی در آوردن صلح و ثبات در افغانستان ندارد. در حالی که نقش پاکستان در آوردن صلح در افغانستان مهم و اساسی خوانده می شود.

صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح نیز در گفتگو با یکی از رسانه های غربی پاکستان را متهم نموده بود که از گفتگوها به رهبری افغان ها حمایت نشان می دهد، اما این حمایت تنها به بیانیهِ ها محدود مانده اند.

این سفر زمانی صورت گرفت که دفتر طالبان در قطر بدون مذاکره و نشستی، در پی واکنش دولت افغانستان بسته شد و روند گفتگوهای امنیتی با امریکا نیز به حالت تعلیق درآمده است.

در میان دو راه جنگ و صلح، جمعیت اسلامی افغانستان همیشه راه صلح را برگزیده است و جنگ را راه حل قضایای کشور نمی داند. هرگاه در جنگ هم اشتراک نموده هدف آن رسیدن به صلح و ثبات در کشور بوده است.

گذشت زمان پاسخ خواهد داد که آیا این سفرها و دید وادیدها ره بسوی صلح، ثبات و ختم جنگ خواهد برد و روابط بهتر میان دو کشور، افغانستان و پاکستان – را بر قرار خواهد کرد تا به نا امنی ها و بی باوری ها نقطۀ پایان بگذارد؟

آیا "گزینه صفر" افغانستان را به گذشتۀ صفر بر می گرداند؟

◇ **محمداکرام اندیشمند**

پس از تنش های اخیر میان کرزی و اوباما، قصر سفید از گزینۀ صفر یعنی خروج تمام قوای امریکایی در سال ۲۰۱۴ از افغانستان سخن گفت. چرا بارک اوباما از این گزینه سخن می گوید و رئیس جمهور کرزی با او و سیاست امریکایی ها با انتقاد و پرخاش برخورد می کند؟ تأثیر گزینۀ صفر از سوی امریکا در تحولات آیندۀ سیاسی-نظامی افغانستان چیست؟

کرزی و گرمی روابط با امریکا:

در این نکته جای بحثی نیست که حامد کرزی در مسند قدرت افغانستان مرهون قدرت و حمایت امریکاییان است. در واقع این امریکا بود که کرزی را در پایان سال ۲۰۰۱ عیسوی از کویته به ارگ کابل آورد و بریاست جمهوری رساند نه با لعکس. کرزی تا زمان حضور جورج بوش پسر، در کاخ سفید از گرمی روابط با امریکایی ها گرم بود. در نخستین سال زمام داری او که ریاست ادارۀ عبوری را داشت در پاسخ به پرسش یک تن از روستاییان جنوب افغانستان که کرزی صاحبه آیا امریکاییان دلته پاتی کیږی؟ (کرزی صاحب آیا امریکایی ها این جا باقی می مانند؟) گفت: هو! ... (بلی! اگر امریکایی ها این جا باقی نباشند من چه می کنم...) این پاسخ به معنی آن بود که وی به خوبی می دانست که بدون حضور و کمک امریکاییان او صاحب قدرت و دولتی نخواهد بود.

رئیس جمهور کرزی با توجه به نقش و اهمیت نظامی و مالی امریکا در مسند قدرت نه تنها در برابر حامیان امریکایی خود دید انتقادی نداشت بلکه، بادیگاردان امریکایی را به حفاظت خویش گماشت و گاه گاهی متحدان متنفذ خود را در درون دولت از هواپیماهای B52 می ترساند. او در آن سال ها به دیدگاه منتقدین سیاسی که از قانونمند شدن حضور نیروهای امریکایی و خارجی سخن می گفتند، وقعی نمی گذاشت. کرزی در نخستین انتخابات ریاست جمهوری بصورت آشکاری مورد حمایت زلمی خلیل زاد نمایندۀ خاص جورج بوش و سفیر امریکا در کابل قرار گرفت و در سایۀ این حمایت برنده شد.

اوباما و کرزی؛
مناسبات ناهموار و پرتنش:

مناسبات رئیس جمهور کرزی با حکومت حزب دموکرات و قصر سفید بریاست اوباما با گرمی و صمیمیت حکومت جمهوری خواهان و جورج بوش آغاز نیافت. سناتور بارک اوباما حتا در نخستین سفرش (۲۹سرطان۱۳۸۷برابر به ۱۹جولای ۲۰۰۸) به افغانستان که نامزد حزب دموکرات برای ورود به قصر سفید بود، سلام و سخنی با کرزی در ارگ کابل نداشت. توجه و سیاستِ اوباما در افغانستان با رویکرد انتقادی بسوی کرزی و دولتِ برهبری او آغاز شد. تأکید به حکومت داری خوب، شکل دهی دولت سالم و عاری از فساد در افغانستان توسط رئیس جمهور کرزی نکات و مطالبات جدیدی بود که اوباما مطرح کرد.

بحران در روابط قصر سفید و ارگ کابل:

در حالی که تنش و تعارض در روابط میان کرزی و اوباما متدرجاً گسترش یافت، این تنش پس از دور دوم ریاست جمهوری طرفین وارد مرحلۀ بحرانی شد. حکومت دموکرات ها برهبری بارک اوباما در قصر سفید از سیاستِ حمایت آشکار کرزی در دومین انتخابات ریاست جمهوری (بیست و نهم اسد ۱۳۸۸بیستم آگست ۲۰۰۹) اعتراض کرد و با این سیاست رئیس جمهور کرزی تحت فشار امریکایی ها قرار گرفت. در نتیجۀ این فشار انتخابات میان حامد کرزی و رقیب اصلی او عبدالله عبدالله بدور دوم رفت. هرچند امریکایی ها گزینۀ دیگری به جز کرزی نداشتند، اما او را در دومین انتخابات ریاست جمهوری تحت فشار قرار دادند تا از یکسو با تشدید رقابت نامزدها نمایش بهتری از دموکراسی ارائه شود و از سوی دیگر رئیس جمهور کرزی در جهت حکومت داری خوب، زدودن فساد و سایر مطالبات واشنگتن گام بردارد. بارک اوباما و متحدان غربی اش برغم فشار بر کرزی در انتخابات، بلا فاصله پس از اعلان پیروزی وی از سوی کمسیون مستقل انتخابات همزمان با انصراف داکتر عبدالله از مشارکت در دور دوم پیروزی او را تبریک گفتند. با وجود آن، روابط میان کرزی و اوباما علی رغم امضای سند همکاری های استراتژیک توسط هردو رئیس جمهور در ارگ کابل (۱۳حمل۱۳۹۱- اول اپریل۲۰۱۲) به صمیمیت دوران بوش بر نگشت و در مسیر تنش قرار گرفت. این تنش بصورت فزاینده بالا رفت و در واقع وارد مرحلۀ بحرانی در روابط طرفین شد.

واکنش خشم آلود کرزی به نحوۀ ایجاد دفتر طالبان در قطر، تعلیق مذاکره با امریکا بر سر توافق قرارداد امنیتی در پیامد این واکنش و سپس طرح گزینۀ صفر یا خروج کامل قوای امریکا از افغانستان توسط اوباما و حکومت وی اوج این بحران را به نمایش گذاشت.

اهداف نهفته در بحران:

چه کسی در روابط طرفین مسؤولیت این بحران را بدوش دارد؟ رئیس جمهور کرزی امریکایی ها را مقصر می داند که در صدد تحمیل قرار داد امنیتی مطابق خواست ها و تمایلات خود شان هستند؛ اما امریکایی ها کرزی را مقصر تلقی می کنند.

اگر اوباما و دولت امریکا عامل و مجری این بحران شمرده شود، آیا امریکایی ها بصورت عمدی زمینه ساز این بحران هستند تا بهانۀ مؤجه در "گزینۀ صفر" باشد؟ برخی ها به گزینۀ صفر اوباما از این زاویه می بینند. مخالفت افکار عمومی جامعۀ امریکا به ادامۀ جنگ و حضور نظامی آن کشور در افغانستان، هزینۀ هنگفت جنگ در شرایط ناگوار اقتصادی امریکا و دلسردی از روابط دشوار با کرزی از مؤلفه های تأثیرگذار در این گزینه تلقی می شود.

در نگاه به بحران میان کابل و واشنگتن از زاویۀ نقش رئیس جمهور کرزی، بهره گیری موصوف در جهت منافع شخصی او و تیم همراهش در قدرت مورد تحلیل و توجه قرار می گیرد. حفظ قدرت موجود و یا مشارکت در آیندۀ قدرت نکات برجستۀ این منافع را شکل می دهد. شاید نمایش یک زمامدار مستقل و ملی گرا در این بحران بخش دیگر از منافع مورد نظر او باشد. از سوی دیگر رئیس جمهور کرزی به گزینۀ صفر اوباما بی باور است و حضور نظامی امریکا را بخشی از الزامات منافع آنها می پندارد که در جهت این منافع حاضر خواهند بود تا مطالبات او را چه در مورد خودش و چه در مورد افغانستان برآورده کنند. اما برخی ها این برداشت را اشتباه محاسبات کرزی می دانند. خروج کامل نیروهای امریکایی از کشور نفت خیز عراق در شرایط مشابه عدم توافق برسر قرارداد حضور نظامی آنها می تواند مثال این اشتباه محاسبه باشد.

آیندۀ افغانستان در کشمکش گزینه های اوباما و کرزی:

اگر اوباما در کشمکش بر سر ماندن و رفتن از افغانستان گزینۀ صفر را مدنظر دارد و رئیس جمهور کرزی در صدد تأمین خواسته های خود از امریکایی ها باشد، بازنده و برنده در این کشمکش چه کسی خواهد بود؟

در این تردیدی نیست که وابستگی افغانستان به کمک نظامی و اقتصادی خارجی چه امریکا و هر کشور دیگر نشانۀ ضعف و درماندگی است. افغانستان در چنین موقعیتِ درمانده و ضعیف به استقلال و اقتدار واقعی نمی رسد. اما وابستگی به کمک های نظامی و اقتصادی امریکا و سایر کشورهای کمک کننده از ناگزیری های افغانستان در ثبات نسبی و موجودیت دولت و نظام حاکم سیاسی است. دوازده سال حضور نظامی امریکا ص۵

توانمندی پاکستان و توقع افغانستان

ابوبکر سبزوار

سالهاست که حکومت افغانستان پاکستان را به حمایت از جنگ طالبان در افغانستان متهم می سازد و تاکید دارد که اگر پاکستان صادقانه در پروسهٔ صلح افغانستان همکاری نماید، توان آوردن طالبان افغان را به میز مذاکره با حکومت افغانستان دارد.

از طرف دیگر پاکستانی ها در طول چند سال اخیر دست به مانور هایی زده اند که هدف از آن نشان دادن نفوذ فوق العادهٔ آنان در میان طالبان افغان بوده است. هدف از قدرت نمائی از جانب پاکستانی ها، بدست آوردن امتیاز از امریکا بوده و ناگفته پیداست که مقامات پاکستانی در این کار موفقیت هایی هم داشته اند. بخصوص اظهارات پیهم دولت افغانستان مبنی بر اینکه اگر پاکستان در پروسهٔ صلح بصورت صادقانه همکاری نماید، مشکل افغانستان حل خواهد شد، آب در آسیاب منافع پاکستان ریخته است.

هرچند هدف مقامات افغانی از تاکید بر نقش پاکستان در نا امنی های افغانستان، تاکید بر حمایت اسلام آباد از تروریسم بود، اما تکرار اتهامات از جانب حکومت افغانستان مبنی بر اینکه مراکز تروریست ها در خاک پاکستان است، هیچ تاثیری بر سیاست های امریکا و غرب در برابر پاکستان نداشت و فشاری که دولت افغانستان انتظار داشت، از جانب امریکا و غرب بر پاکستان وارد نکرد.

پاکستان دو مزیت دارد که می تواند از آن به خوبی بهره بگیرد؛ نخست اینکه این کشور دارای موقعیت نهایت مهم استراتژیکی در این منطقهٔ حساس از جهان است و برای دسترسی به کشورهای محاط به خشکهٔ این منطقه مانند افغانستان و آسیای میانه، گزینه ای برای غرب جز پاکستان وجود ندارد.

از طرف دیگر پاکستان یک قدرت اتومی است و دنیای غرب باید با چنین کشوری مدارا نمایند. سلاح اتومی هرچند برای یک کشور الزاما به معنی قدرت اقتصادی و یا حتی قدرت برتر نظامی در جنگ های متعارف نیست اما می تواند چنین کشوری را به یک ساحهٔ مصؤون از تهاجم خارجی مبدل سازد.

حکومت افغانستان از سال ۲۰۰۱ تا اکنون با سه حکومت در پاکستان مواجه بود است؛ روابط افغانستان با حکومت پرویز مشرف تنش آلود و بعد از آن با حکومت حزب مردم تاحدی خوب بود اما با حکومت جدید برهبری نوازشریف سرد و بی رمق است. در چنین شرایطی نوازشریف تلاش نمود تا حامد کرزی را به سفر به پاکستان ترغیب نماید اما حامد کرزی علاقه ای به این کار نشان نداد. یک دلیل این بی علاقه گی از جانب حکومت افغانستان اینست که در طول سال های گذشته از تعامل با پاکستان این تجربه بدست آمد که حکومت های غیرنظامی در پاکستان در رابطه با بعضی مسایل ناچار به رعایت یک سلسله خطوط قرمز اند که از جانب فوج این کشور مشخص شده است. مسئلهٔ صلح در افغانستان نیز یکی از همین خطوط قرمز به شمار می آید.

به همین دلیل بود که حامد کرزی تلاش نمود در مدت پنج سال گذشته با جنرال پرویز اشفاق کیانی لوی درستیز این کشور رابطهٔ دوستانه برقرار نماید شاید از این طریق بتواند این بن بست را بشکند. جنرال کیانی وعده های زیادی به کرزی داد اما زمانی که افغانستان از پاکستان خواست تا وعده ها را در عمل پیاده نماید، مشکل بمیان آمد زیرا پاکستانی ها مدعی شدند که آنها فقط می توانند طالبان را به مذاکره با حکومت افغانستان تشویق نمایند اما توان مجبور ساختن آنان را به این کار ندارند.

پاکستان هنوز قادر به حل مشکل خود با طالبان خود نشده است، چگونه می توان انتظار داشت که مشکل افغانستان با طالبان را حل کند؟ پاکستان مشت بستهٔ خود را به جهان نشان می دهد و گوید که طالبان افغان را در مشت دارد اما نمی خواهد مشت خود را باز کند. زیرا اگر این مشت باز شود، حقیقت آشکار خواهد شد و دیگر امتیازی در کار نخواهد بود.

از جانب دیگر پاکستان با این بزرگ نمائی، روابط خود با افغانستان را به مشکل مواجه ساخته است. به این معنی که میزان توقعات حکومت افغانستان از پاکستان را در تامین صلح در افغانستان بشدت بالا برده که همین مسئله در طول چند سال گذشته عامل اصلی در تنش روابط میان دو کشور بوده است. حالا اگر پاکستان به این مسئله اعتراف نماید که میزان تاثیرگذاری اش بر طالبان محدود است، جانب افغانی نمی پذیرد و آنرا نشانه ای از عدم صداقت پاکستان می داند.

در طول دوازده سال گذشته دولت افغانستان باید تلاش می نمود تا بجای شعار و رجز خوانی علیه پاکستان، از میزان وابستگی افغانستان به پاکستان می کاست. ما در طول سال های گذشته فرصت های طلائی را در این زمینه از دست دادیم. نه در جهت مهار آبهای خود قدمی برداشتیم و نه تولیدات زراعتی خود را در حدی که موجب خود کفائی گردد تقویت نمودیم. فردا که جامعهٔ جهانی افغانستان را ترک می کنند، ما وابسته تر و آسیب پذیرتر از قبل به همسایه های خویش بخصوص پاکستان هستیم. کسانی که در طول دوازده سال گذشته به حمایت از سیستم اقتصاد بازار در افغانستان کمر بسته بودند، بزرگترین خدمت را به همسایه های ما بخصوص پاکستان انجام دادند و وابستگی ما به این کشور را بیشتر ساختند.

جامعهٔ جهانی با استفاده از ساده اندیشی رهبران سیاسی ما، دست به کارهایی در افغانستان زد که موجب اغفال ما شد. برگزاری کنفرانس های بین المللی برای دادن اطمینان به افغانستان که جهان غرب ما را تنها نخواهد گذاشت، موجب شد تا عده ای ناآگاه از عمق مشکلات افغانستان، به این خیال خام بیافتند که وقتی ما چنین حمایت بین المللی را با خود داریم، پاکستان هیچ کاری نمی تواند بکند و ما هیچ نیازی هم به مذاکره با مخالفین مسلح نداریم. امضای قرارداد های استراتژیک با کشورهای مختلف به امید اینکه خارجی ها را تا ابد متعهد به کمک به افغانستان سازیم، اشتباه دیگری بود که از عدم شناخت دولتمردان ما از غرب ناشی می شد.

اکنون بعد از حدود دوازده سال به این نتیجه می رسیم که کلید این مشکل فقط در اختیار افغان هاست و این مردم افغانستان اند که از طریق مذاکره و تفاهم باید به حل مشکلات خود بپردازند. این تصور که مخالفین مسلح فقط مهره هایی در اختیار پاکستان اند و از خود هیچ اراده ای ندارند و در نتیجه کمک خواستن از پاکستان برای تامین صلح در افغانستان، جز هدر دادن وقت هیچ نتیجه ای بیار نخواهد آورد.

اما بدبختانه در آستانهٔ خروج نیروهای خارجی از افغانستان، هیچ قدمی در جهت ص۷

دمپسی و ضرب الاجل...

ادامه از صفحهٔ اول

این پیمان با امریکا وابسته به تامین صلح و تضمین یک افغانستان متحد دارای یک نظام مرکزی قوی خواهد بود.

رئیس جمهور کرزی گفته است که، وی پیغام خود را توسط دو سناتور مذکور به اطلاع حکومت امریکا رسانیده و از آنان خواسته است تا در جهت اعتماد سازی میان دو کشور تلاش نمایند.

اکنون به نظر نمی رسد که چنان اعتماد سازی صورت گرفته باشد زیرا سفر جنرال دمپسی به کابل نوعی فشار تازه بر حکومت افغانستان تلقی می شود به این معنی که شرایطی که حامدکرزی برای امضای این توافق نامه مطرح کرده است عملی نشده و جنرال دمپسی بدون اشاره به شرایط مطرح شده از جانب حکومت افغانستان، برای امضای این قرارداد ضرب الاجل تعیین می نماید.

به نظر می رسد که گزینهٔ صفر چون چماقی از جانب امریکا بر سر حکومت افغانستان سایه افگنده است و رسانه های داخلی وابسته به امریکا در افغانستان هرروز در تلاش اند تا با ایجاد نگرانی از وضع بعد از سال ۲۰۱۴ این فشار را در داخل هم افزایش دهند.

کسانی هستند که با توجه به خطرات بعد از سال ۲۰۱۴ به این باور اند که باید حامدکرزی این قرارداد را بدون توجه به جزئیات آن و آنچه که منافع ملی افغانستان تلقی می شود امضاء نماید. منافع ملی افغانستان فقط در این است که ما امریکا را به هر شکل ممکن در کنار خود داشته باشیم.

وقتی رئیس جمهور تاکید بر تامین صلح و یک پارچگی افغانستان بعنوان پیش شرط های این قرارداد دارد، این پیش شرط ها از جانب بعضی از جهت ها بعنوان فشار از جانب کرزی به امریکا تلقی می شود تا امریکا دوام حضور تیم کرزی بعد از سال ۲۰۱۴ را به مسند قدرت بپذیرد.

اما رابطه با بازی امریکا در افغانستان بعد از سال ۲۰۱۴ مسایلی وجود دارد که فقط حامدکرزی و افراد نزدیک به وی از آن مطلع اند. روزنامهٔ نیویارک تایمز که از جملهٔ روزنامه هایی است که منعکس کنندهٔ نظر غیررسمی حکومت امریکا بشمار می آید، بعد از سفر دمپسی به کابل، از امکان تجزیه بعنوان راه حل معضل افغانستان از طریق سپردن ادارهٔ بعضی از ولایات شرق و جنوب به طالبان سخن می گوید. بنابراین تاکید کرزی بر اینکه امضای این پیمان با امریکا وابسته به «تامین صلح و تضمین یک افغانستان متحد دارای یک نظام مرکزی قوی خواهد بود» نباید زیاد هم به قدرت طلبی خود وی و تلاش در جهت ادامهٔ سلطهٔ تیم وی بر مسند قدرت بعد از سال ۲۰۱۴ رابطه داده شود. شاید کرزی خطری را حس کرده که اینگونه با امریکا سر ناسازگاری دارد و حتی از جانب امریکایی ها تهدید به مرگ شده است.

گزینهٔ تجزیهٔ افغانستان که نخستین بار چندسال قبل زیر عنوان «پلان بی» از جانب رابرت بلک ول یک دیپلومات پیشین امریکا مطرح شد، در ابتدا فقط یک نظر شخصی به حساب آمد اما اکنون به تدریج شکل جدی تر را بخود می گیرد

اما اکنون سوال اصلی اینست که چرا امریکایی ها تلاش دارند تا این قرارداد را با حامدکرزی به امضاء برسانند؟ جواب شاید این باشد که حامدکرزی از نظر امریکایی ها آخرین زمامدار در افغانستان است که بصورت نسبی می تواند یک رئیس جمهور منتخب مردم بشمار آید که طولانی ترین دوران زمامداری را بحیث رئیس جمهور در افغانستان داشته است. امریکایی ها می دانند که انتخابات آینده در افغانستان یا ناممکن است و یا حتی اگر دایر هم گردد، به اندازهٔ آخرین انتخابات ریاست جمهوری که حامدکرزی برای دومین بار به کرسی ریاست جمهوری رسید هم از مشروعیت برخوردار نخواهد بود. بنابراین با امضای توافق نامهٔ امنیتی با وی می خواهند به زعم خودشان بیشترین مشروعیت را برای این توافق نامه بمیان آورند تا در آینده کسی به مشروعیت این قرارداد اعتراض نکند. امریکایی ها نمی خواهند تضمینی برای وحدت جغرافیای افغانستان بدهند و قصد دارند تا تجزیه را بعنوان گزینه ای از جانب خود أفغان ها برای حل بحران در این کشور عنوان نمایند که امریکا به این خواست مردم احترام می گذارد.

مشکل بزرگ فراراه این برنامه موضوع کوهستانی بودن و در نتیجه ایجاد مرز میان این مناطق و از همه مهمتر مشکل حفظ این مرز است. اینکه امریکا می خواهد بعد از سال ۲۰۱۴ تعدادی از نیروهایش را در افغانستان نگهدارد شاید یک دلیل آن حفظ همین مرز میان دو افغانستان توسط همین نیروها باشد.

اما آنچه که موفقیت این برنامهٔ امریکا را بشدت زیر سوال می برد، موقف طالبان است. طالبان بارها گزینهٔ سپردن بخشی از افغانستان به این گروه را بعنوان راهی برای حل مشکل افغانستان رد نموده اند.



یگانه گزینش برای تامین امنیت و حکومت قانون در افغانستان

عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

یگانه گزینش به بازگشت قانون و ایجاد جامعهٔ قانونمند، همانا انتخابات در افغانستان است. قانون انتخابات بعد از ماه ها جنجال و اختلاف بر سر بعضی از ماده های آن، سرانجام بعد از تصمیم هیئت مختلط نماینده گان – مجلس سنا و مجلس نماینده گان – در ۱۶ فصل و ۸۰ ماده به تصویب رسید و رئیس جمهور به تاریخ ۲۶ سرطان آن را توشیح نمود. فشارهای جامعهٔ مدنی، جامعهٔ جهانی و فعالیت مداوم مشارکت احزاب، پارلمان را واداشت تا این قانون تصویب گردد.

توشیح قانون انتخابات بدون شک، یکی از اقدام موثر برای رفع نگرانی ها در مورد انتخابات آینده است. در این قانون شرایطی نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری، پارلمانی، شوراهای ولایتی و محدود کردن حوزه های انتخاباتی برای انتخابات پارلمانی و اختصاص شماری از کرسی های مجلس به احزاب و اقلیت های مذهبی از مواردی بود که نماینده گان شورای ملی در آن اتفاق نظر نداشتند و در نتیجه تصویب این قانون از سوی کمیتهٔ مختلط مجلسین فقط اقلیت اهل هنود قربانی گردید و کرسی آن حذف گردید. رئیس جمهور کشوربعد از توشیح این قانون، عملی شدن فعالیت های انتخاباتی را در چوکات این قانون اعلان نمود و همزمان کمیته یی را برای گزینش مسؤولان این نهادها تشکیل داد. آنچه در این قانون انتخابات بسیار مهم است، کمیته گزینش است که این کمیتهٔ گزینش می تواند افراد را در سمت های مهم کمیسیون انتخابات به رئیس جمهور پیشنهاد نماید. بر بنیاد بند پنجم ماده ۸ قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت های کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی، اعضای کمیتهٔ گزینش شش نفر می باشند، که از جمله: رئیسان مجلس نماینده گان، رئیس دادگاه عالی، رئیس کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی، رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و یک نمایندهٔ منتخب نهاد های جامعه مدنی می باشد. در نشست این کمیته رئیس پارلمان کشور به حیث رئیس این کمیته انتخاب گردید. کسانی که مطابق قانون تشکیل وظایف و صلاحیت های کمیسیون مستقل انتخابات و شکایات انتخاباتی تقاضای عضویت در کمیسیون مستقل انتخابات را داشته باشند، می توانند فورم ویژه را خانه پری و به کمیتهٔ گزینش تسلیم نمایند و این کمیته بعد از بررسی های متقاضیان، عضویت در کمیسیون مستقل انتخابات، بر بنیاد اصل قانونی و شایستگی آنها را به رئیس جمهور پیشنهاد می نماید. از همین حالا گفته می شود که انتخابات آینده در گرو این کمیتهٔ گزینش خواهد بود.

این کمیته اصرار می ورزد که بعد از مشوره های ممتد و تشخیص شایستگی افراد، ۲۷ نفر را به رئیس جمهور معرفی خواهند کرد و از میان این اشخاص کمشنران کمیسیون انتخابات معرفی خواهند گردید. رئیس جمهور از میان این ۲۷ تن که به وی از سوی کمیتهٔ گزینش پیشنهاد می گردد، مقام های ارشد کمیسیون مستقل انتخابات را تعین خواهد کرد. پس از آنکه قانون انتخابات از سوی رئیس جمهور توشیح گردید، همزمان به آن، حکمی را در خصوص آغاز کمیتهٔ گزینش صادر نمود. حال تمام چشم ها به سوی این کمیته دوخته شده است.

گفته می شود که بیشتراز ۳۰۰ نفر به حیث اعضای کمیسیون ثبت نام نموده اند و قرار است کمیتهٔ گزینش ۲۷ نفر آنان را به رئیس جمهور پیشنهاد نماید، تا کمشنران و سایر مسؤولان در کمیتهٔ سمع شکایات و سایر ارگان های مهم این کمیسیون تعین گردد. تعدادی به بدگمانی های خود افزوده اند که، مجلسین پارلمان و سنا قانون را به نفع خود تصویب نموده اند، تا بتوانند افراد مورد نظر خود را به رئیس جمهور پیشنهاد نمایند.

به هر صورت یگانه گزینش برای ثبات در افغانستان انتخابات آینده در کشور است و دیگر گزینه برای یک حکومت قانونمند در افغانستان وجود نخواهد داشت. قرار است سومین انتخابات ریاست جمهوری افغانستان به تاریخ ۱۶ حمل ۱۳۹۳ در افغانستان برگزار گردد.

سلب صلاحیت از شما و دادن صلاحیت...

ادامه از صفحهٔ اول

را تیره ساخته است. در صورتی که دادگاه عالی آقای پتنگ را در مقامش ابقا نماید به پیچیدگی موضوع می ا فزاید.

نظام افغانستان مبتنی بر اصل پذیرفتن صلاحیت تفکیک قوا می باشد و در صورتی که دادگاه عالی این کار انجام بدهد، مستقل بودن و اصل تفکیک قوا را در کشور زیر سوال می برد. در حال حاضر مجتبی پتنگ بر مبنای فرمان رئیس جمهور به صفت سرپرست این وزارت به کار خود ادامه می دهد.

این نخستین باری نیست که تنش میان رئیس جمهوری و مجلس نمایندگان برسر رد صلاحیت وزیر، به دادگاه عالی ارجاع می شود. در سال ۱۳۸۸ میلادی، وقتی رنگین دادفر سپنتا وزیر خارجه از سوی مجلس سلب صلاحیت شد، حامد کرزی به دادگاه عالی مراجعه کرد و با رأی دادگاه عالی، وزیر خارجه در مقام خود باقی ماند.

در آن زمان شماری از اعضای مجلس تا آخر، به این اقدام رئیس جمور کرزی اعتراض داشتند و آن را نادیده گرفتن حقوق و اختیارات مجلس از سوی رئیس جمهوری تلقی می‌کردند.

حالا که مجتبی پتنگ وزیر داخله به دنبال چند ماه کشمکش با مجلس، از سوی این نهاد استیضاح و سلب صلاحیت شده است، دیده شود که سیر تحول در این مورد به کجا پیش می رود.

·این مقام امنیتی چگونه سلب صلاحیت شد؟

به دنبال خودداری آقای پتنگ از حضور در جلسه استجوابیهٔ مجلس، نمایندگان او را متهم کردند که نسبت به مجلس بی اعتنایی کرده و بیش از ۵۰ نماینده طرح استضاح او را امضاء کردند.

پس از آن که اظهارات او قناعت نمایندگان را فراهم نکرد، مجلس رأی‌گیری در مورد صلاحیت او در مقام وزارت را آغاز کرد و عبدالرؤوف ابراهیمی رئیس مجلس اعلام کرد: "محترم مجتبی پتنگ با ۱۳۶ رأی از وزارت داخلهٔ جمهوری اسلامی افغانستان سلب اعتماد شد. مجلس کشور ۲۴۹ عضو دارد که در روز رأی دهی از تصادف کمترین غیر حاضری را داشتند.

اما روی هم رفته جلسهٔ استیضاح پتنگ پرتنش بود و اظهارات او توجه بسیاری را جلب کرد و از جمله این سخن که "نه تنها وزارت داخله بلکه تمام دولت در گروگان گرگ ها است". آقای پتنگ تأکید کرد که پارلمان، قوهٔ مجریه و قوهٔ قضائیه برای شکار گرگ ها با هم متحد شوند.

اما او در این مجلس از گرگ ها نام نگرفت و تنها با گفتن سخنان چند پهلو می خواست اذعان نمایندگان مردم را بفریبد. پس از سلب صلاحیت این مقام امنیتی با برگزاری کنفرانس مطبوعاتی حرف های تازه و اتهامات زیادی را به نمایندگان از جمله جاسوس بودن به آی اس آی پاکستان، فساد مالی، دست داشتن در قاچاق مواد مخدر وارد نمود. اما این حرف های پتنگ به این دلیل زیاد جذاب و جالب به نظر نرسید که او دیگر کرسی خود را از دست داده بود و برای بدست آوردن آن به تقلا نشسته بود.

دلایل عمده برای استیضاح و سلب اعتماد

نبود امنیت در شاهراه‌ها

در روز استیضاح یک نمایندهٔ ولایت قندهار گفت که، نا امنی در مسیر شاهراه ها افزایش یافته و حتی خود پولیس در این نا امنی ها دست دارند. افزایش نا امنی در مناطق مختلف کشور و به ویژه شاهراه ها از موضوع های اصلی استیضاح از وزیر داخله اعلام شده بود. اما آقای پنگ در روز استیضاح گفت که، مسؤولیت تأمین امنیت شاهراه مسؤولیت مشترک نهادهای امنیتی می باشد.

عدم حضور در مجلس

نمایندگان مجلس او را متهم کردند که به دلیل عدم حضور در اجلاس کمیسیون ها و نشست عمومی مجلس برای توضیح مسایل امنیتی، قانون را نقض کرده است، اما آقای پتنگ ضمن تأیید این مسئله گفت: معاونانم را فرستادم و آنان در گذشته به سوالات شما پاسخ دادند.

یکی از نمایندگان از او پرسید که چرا وزارت داخله نتوانسته است از توزیع غیر قانونی سلاح در بین مردم جلوگیری کند؟

سرپرست وزارت داخله طرح چنین سوالی را غیر منصفانه خواند و گفت، برنامه هایی که برای خلع سلاح در چند سال گذشته زیر نام (دایاک و دی دی آر) اجرا شده، مؤفق نبوده است و به همین دلیل در خانه های همه به شمول من سلاح غیر قانونی وجود دارد. بر بنیاد این گفتهٔ آقای پتنگ خودش نقض قانون نموده و سلاح را به طور غیر قانونی در خانه اش نگاه کرده است.

ضعف مدیریت و فساد

ضعف مدیریت و موجودیت فساد دلیل دیگری از استیضاح و سلب صلاحیت او بود، اما افزود که، در ظرف هشت ماه سیستم های متعددی را در این وزارت به کار انداخته است و برنامه هایی را برای بهبود سیستم امنیتی و اداری به اجرا گذاشته است که نتایج خوب را در پی داشته است.

چگونه روابط پتنگ با مجلس خراب شد؟

روابط مجتبی پتنگ با پارلمان زمانی پر تنش شد که آقای پتنگ از ارسال عرایض و درخواست های غیر قانونی از سوی نمایندگان مجلس، به دفترش، به شورای امنیت ملی شکایت کرد.

چند ماه پیش سخنگوی این وزارت به رسانه ها گفته بود که، در حدود ۱۵ هزار درخواستی از سوی نمایندگان به این وزارت رسیده است. به دنبال رسانهٔ شدن این مسایل، مجلس نمایندگان آقای پتنگ را روز ۱۲ ثور فرا خواند، اما او نامهٔ به مجلس فرستاد و حضور خود در مجلس را غیر ضروری خواند.

بدین ترتیب در نهایت او از سوی مجلس سلب صلاحیت شد، اما از سوی رئیس جمهور ابقا گردید و پروندهٔ او به منظور جنبهٔ حقوقی پیدا کند، به دادگاه عالی ارجاع گردید.

در هلال سبز چه می گذرد؟

◇ تکساری

هلال سبز از افریقا شروع و به خاورمیانه ختم می شود، که از مصر آغاز و تا سوریه امتداد می یابد. حرکت های اصلاحی در این کشورها که عمدتاً که در سال ۲۰۱۱م شروع گردیده و به بهار عرب مسمی میباشد. بهار عرب نخستین بار از تونس شروع و پس از آن وارد میدان تحریر گردید و به همین منوال دامان لیبیا و یمن را در نوردید و حکام این کشورها را به حضیض ذلت فرو نشاند؛ اما بهار عرب در سوریه نه توانست ظرف دو سال حکومت سوریه را سرنگون سازد، که نتیجهٔ این جنگ داخلی تخریب و نابودی تمام زیرساخت ها، مراکز علمی، فرهنگی و اقتصادی در این کشور میباشد.

سازمان ملل متحد و کمشنر عالی این سازمان در آخرین گزارش خود گفته است که، پس از نسل کشی در روندا بزرگترین حادثهٔ تاریخی در جهان میباشد. طوریکه از شروع جنگ تا اکنون، بیشتر از ۹۲ هزار نفر در سوریه کشته شده و روزانه در حدود ۶ هزار انسان از این کشور فرار می نمایند. بعد از سال ۱۹۹۴م حادثه سوریه، بدترین حادثه در جهان میباشد؛ طوریکه تعداد مهاجرین این کشور در کشورهای همجوار سوریه به 1,8 میلیون و تعداد بیجا شده گان داخلی به 2,2 میلیون انسان میرسد. حکومت های که پس از بهار عرب در این کشورها به وجود آمده اند، نه توانستند اعتماد مردم را به دست آرند و تب و تاب های سیاسی در این کشورهای پس از بهار عرب هنوز خاموش نگردیده است.

طوریکه دیده میشود سوریه دوم در راه است، پس از سرنگونی محمد مرسی به وسیلهٔ ارتش مصر، بحران در مصر در حال زبانه کشیدن است و پس از چند روز اعتراضات خیابانی مخالفان اسلامگرایان در میدان تحریر که به کمک سلفی های مصر، لیبرال ها و تکنوکرات ها مدیریت می گردید سرانجام یک مشروعیت قانونی در مصر به پایان رسید و حکومت موقت که اکثراً تکنوکرات ها و مخالفان حکومت مصر می باشد، در هیئت کابینهٔ این کشور حضور یافتند.

تنش ها در این کشور نه تنها پایان نه یافت و میدان تحریر خالی نگردید؛ بلکه فتنه های فراوان در این کشور در حالت شعله ور شدن است. طوریکه رهبر جمعیت اخوان المسلمین محمد بدیعی به ارتش این کشور و احزاب مخالف اخوان المسلمین هشدار داده است که به زودی به هدف ثبات و باز گشت مشروعیت از هر گونه گزینه استفاده خواهد کرد و ارتش آزاد مصر را به وجود خواهد آورد.

محمد بدیعی گفته است: کودتای ارتش و مخالفان مرسی قبل از آنکه کودتا بر یک مشروعیت بوده باشد، کودتا بر اسلام میباشد. وی بر ارتش مصر هشدار داد که میان ثبات کشور و مشروعیت یکی را انتخاب کند، وی همچنان از حامیان مشروعیت در میدان رابعه العدویه خواست تا به اعتراضات شان ادامه دهند و در این راه پایدار و صبور باشند. این رهبر کهنه کار به مخالفان خود و نیروهای ارتش هشدار داد و تاکید نمود که آرامش و ثبات تا بازگشت مرسی به شبه جزیرهٔ سنا باز نخواهد گشت. امروز بسیاری از کشور های جهان حرکت اخیر در مصر را مرگ دموکراسی در این کشور می خوانند و محمد قرضاوی رئیس اتحادیهٔ جهانی علمای اسلام مقیم قطر حمایت از محمد مرسی را یک امر شرعی و اسلامی خواند و از مردم خواست تا از محمد مرسی حمایت کنند؛ زیرا وی رئیس جمهور منتخب بوده و برکناری آن یک امر غیر دینی و اسلامی می باشد.

در حالی که قرضاوی یک شخص محافظه کار بوده و خود را در بسا موارد داخل ماجراهای سیاسی نساخته است، وی مداخلهٔ ارتش را غیر قانونی خواند که با معیارهای دموکراسی غرب نیز ناسازگار است. تداوم خشونت ها در مصر شامل کشورهای هلال سبز خواهد گردید. از همین حالا حرکت شبه نظامیان در صحرای سینا و انفجار خط لولهٔ گاز که به اردن انتقال می یابد، تقلیل زائران خارجی به این کشور، کمبود مواد غذایی از جمله گندم و نبود یک آیندهٔ روشن در این کشور از یک بحران عظیم سیاسی و اجتماعی حکایه می نماید، در صورتیکه به صدای مخالفین جواب منطقی داده نشود، مصر به سوریهٔ دوم تبدیل خواهد شد. فشارها بالای جریان اخوان المسلمین و تهدید رهبران آن ها به مصادرهٔ اموال، زندان و اتهام نمودن آنها به جاسوسی و خیانت، کلماتی است که از سر ناچاری و نیرنگ به کار برده میشود. زیرا آغای مرسیؒ بالاتر از ۲۰ میلیون انسان را در مصر با خود دارد و مورد استرحام و عاطفهٔ جهان آزاد قرار دارد.

امروز لیبرال های مصر که محمد البرادعی از جمله شخصیت های کلیدی آن است در یک نگرانی به سر می برد و حکومت مؤقت از طرح این حکومت با مخالفان خود مایوس گردیده است. جریان اخوان المسلمین که ۸۰ سال و بالاتر از آن سابقهٔ سیاسی در این کشور دارند و رهبران ارشد آنها زندان، شکنجه و ممنوعیت از سیاسی را تجربه کرده اند، به وضوح دریافته اند که در صورت سکوت، دیگر برای آنها یک چنین شانس تاریخی به وجود نخواهد آمد و سرنوشت آنها مانند دوران حسنی مبارک و اسلاف آنها خواهد بود. بنابرین این جریان بر تداوم مقاومت اصرار می ورزند، تا از مشروعیت خود در قدرت دفاع نمایند. اگر کودتا گران در این کشور به پیروزی دست یازند دیگر ارتش می تواند هرنوع نظام مبتنی بر دموکراسی را سرکوب نماید.

امروز ارتش مصر نه تنها دارای قدرت نظامی است؛ بلکه از یک قدرت بزرگ اقتصادی برخورد دار می باشد، گذشته از این طی ۶۰ سال گذشته رهبران این کشور شخصیت های نظامی بوده اند. در صورتیکه جریان مقاومت به درستی تحت کنترول نیاید و از آنها دلجویی صورت نگیرد، نتیجهٔ آن ورود این کشور به یک جنگ داخلی خواهد بود که فرجام آن خون و آتش میباشد. به همین گونه اوضاع در بحرین که ۶۰ درصد آن را شعییان تشکیل می دهند نگران کننده است. این کشور که رهبری آن به دست سنی های کلاسیک می باشد و مورد حمایت سعودی ها قرار دارد، مخالفان این کشور طرفدار اصلاحات در این کشور میباشند و دور نخواهد بود آتش انتقام در این کشور از سر گرفته شود.

در قسمت های از یمن اداره های محلی به شیوهٔ طالبان عمل می نمایند و بر زن ها در مورد کار، درس و خارج شدن از منزل محدودیت وضع نموده اند، که خیلی نگران کننده است. پس از سرنگونی قذافی در لیبیا که این کشور از اقوام مختلف تشکیل گردیده است، تا هنوز در این کشور ثبات به وجود نیامده است و قسمت های از این کشور به وسیلهٔ رهبران قبایل اداره و کنترول میشوند.

مردم از حکومت تونس که برای آنها کار و اشتغال تهیه نه نموده است، دلخوش ندارند. بعد از خروج امریکا از عراق صلح و ثبات در این کشور به وجود نیامد و جنگ میان تشییع و تسنن به یک شیوهٔ پسندیده نزد آنها مورد قبول قرار دارد و هر روز گروه های مذهبی در این کشور شکار می شوند و هیچ نوع دورنمای تفاهم میان این دسته های مذهبی وجود ندارد.

کشور عربستان سعودی از هر نوع حرکت و جنبش اسلامی که هدف آن ها تغییر مهره های اساسی در کشور های عرب بوده باشد، هراس دارد و بی مورد نبود که نخستین بار حکومت مؤقت را در مصر شاد باش گفت و برای این حکومت میلیارد ها دالر کمک را وعده نمود.

به همین گونه امارات متحدهٔ عرب از حرکت های اسلامی در هراس است و نمی خواهد در قاعدهٔ سیاسی کلاسیک این کشور تغییر رونما گردد. در کل کشور های عرب خاورمیانه و کشور های شرق دور اسلامی، در یک نگرانی به سر می برند و در کل کشورهای خاورمیانه و عرب دستخوش تغییر و تحولات اساسی است. دور و یا زود رهبران این کشورها جواب اعمال خود را در برابر مردمان شان خواهند گفت.



آیا گزینهٔ صفر، افغانستان را به گذشتهٔ صفر...

و ناتو علی رغم تبعات منفی آن با ارائهٔ کمک های اقتصادی و مالی به افغانستان به تحولات مهم در عرصه های مختلف حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی انجامید.

این تحولات در توسعهٔ سیاسی چون تدویر انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی، تکوین جامعهٔ مدنی، آزادی مطبوعات، انکشاف تعلیم و تربیه، شکل گیری نهادهای دولتی اعم از نظامی و ملکی چشمگیر است. افغانستان به حیث کشور فقیر، نیازمند و فرو رفته در بحران سه و نیم دهه بی ثباتی و جنگ و در معرض دخالت برخی همسایگان آزمند، به کمک های نظامی و اقتصادی امریکا و کشورهای غربی ضرورت دارد. بی نیازی از این کمک ها و تشکیل دولت مستقل و مقتدر ملی وابسته به زمامدار شایسته و دولت مداران لایق و صادق است که کمک های خارجی را به فرصت عبور افغانستان از وابستگی به استقلال و از احتیاج به اقتدار تبدیل کند.

اما زمام داران افغانستان طی این دوازده سال نشان دادند که شایستگی بهره گیری از این فرصت را ندارند. علی رغم آن تا رسیدن به این استقلال و اقتدار، دریافت کمک های نظامی و اقتصادی از الزامات حیات و حرکت افغانستان در این مسیر است. هر گزینهٔ که افغانستان را از حرکت در این مسیر باز بدارد و موجب توقف کمک های امریکا و کشورهای کمک کننده شود، کشور را به گذشتهٔ صفر بر می گرداند:

گذشتهٔ فروپاشی دولت و نهادهای دولتی هر چند ضعیف و فاسد.

فرو رفتن در بی ثباتی و جنگ داخلی.

سقوط در ورطهٔ فقر بیشتر، جهل بیشتر و مصیبت بیشتر.

و تبدیل افغانستان به میدان بزکشی همسایگان و کشورهای منطقه.

د مصر د دفاع وزیر خپل ولس کورنۍ جگړې ته بللي!!

▢ شفیق

وروسته لدې چې د مصر د دفاع وزیر جنرال عبدالفتاح السیسی نړدې ځلور اونۍ وړاندې د خلکو په اراوو مینځ ته راغلی ولسمشر دکتور محمد مرسي د یوې نظامي کودتا له لیارې له واکه گوښه کړ او په یو نا معلوم ځای کې یې بندي ساتلی، نو د الاخوان المسلمون گوند او ورسره همغږو سیاسي ډلو د نوموړي ددغه ناقانونه کړنې او اقدام د غندلو په نیت مصري ښارونو او لیارو کوڅو کې خپلو لاریونونو ته لا همغسې دوام ورکړی او ددې هوډ څرگندونه یې کړې ده، چې بیرته به مرسي واک ته رسوي.

خو د غلا دروازې له لیارې راغلي واکمنان: (عادل منصور، جنرال السیسی، البرادعی او ببلاوي) یې د ځپلو لپاره له هرې وسیلې څخه کار اخستل ندی پریښې او د امنیتي ارگانونو په وسیله یې تر دا مهاله له دوه سوو څخه زیات پر امنه مظاهره چیان او لاریونونه ویستونکي شهیدان کړي دي، چې په نتیجه کې یې مصري ولس نور هم د مرسي ملاتړ شوی دی او د مرسي د بندي ساتلو پر خلاف (چې یو منتخب ولسمشر دی) د نوموړي کورنۍ تیره هفتی په یو مطبوعاتي کنفرانس کې له ټولو عدالتی ادارو او د انصاف نړیوالې محکمې څخه وغوښتل چې د ولسواکۍ داړونکو لیوانو کړنو ته دې په خپلو ضمیرونو کې ځواب ووایې چې څنگه یو منتخب ولسمشر او د مصر یو عزتمند شخصیت (چې خپل ولس ورته رایې ورکړي) له مشروع واکمنۍ څخه گوښه کیږي او په نا معلومه ځای کې د بندي ساتلو په نوم له ولس څخه ترور شوی دی؟!!

د نړۍ یکتازي کوونکي امریکا چې تل د بشر د حقونو دروغجنې ترانې زمزمه کړې او د ولسواکۍ د علمبرداریۍ تیگه په سینه وهي، لا تراوسه ورته د السیسی نظامي اقدام کودتا نه ښکاري او ان تردې چې د پولیسو د کوتکونو ورولو او مرمیو توغولو سره سره یې هم د مرسي د پلویانو فولادي ارادې ایل نکړې او له خپلو تحصن ځایونو څخه یې خپاره نکړای شو نو اوس یې په هغو بگیل شوو مصري تش په نامه مصریانو غږ کړی چې د لویدیځ لخوا پاللی شوي دي او د ځوارلس سوه کلونه روښانه مصري اسلامي ځلاند تاریخ مسخ کول غواړي؛ چې د جمعې په ورځ د مرسي د پلویانو د مظاهرو په ځواب کې دوی هم مظاهرې وکړي او دغه شیطاني کړنې ته ملاتړ وبخښي. نو اوس پدې هکله غواړو چې له اوباما او نړیوالې ټولنې څخه وپوښتو: د السیسی لخوا اعلان شوی ولسمشر عادل منصور ولسمشر دی او که السیسی؟ چې تر اوسه هم ولس ته السیسی خطاب کوي او احکام ورکوي؟ که په مصر کې د غلا د دروازې له لیارې راوستل شوی بدلون نظامي کودتا نه وي نو داسې اعلان که چیرې فرض کړو چې ورته اړتیا ده!! نو تش په نامه ولسمشر ته پکار وي او که د دفاع وزیر ته!!

خو الله چې څوک شرموي نو بیا ورڅخه عقل هم اخلي او په لوی لاس هغسې کړنې کوي لکه چې السیسی یې کوي چې وایې: ولسمشر، صدراعظم، مرستیال او کابینه یې هم بشپړه شوه خو دی لا د انقلابی مشرۍ لاوډسپیکر له خولې نه لیرې کوي؟!

اوباما! ولې چپ یې؟ د نړۍ په تاریخ کې یا د دموکراسۍ په قاموس کې داشته چې یو څوک دې ولسمشر هم نومولی شوی وي او بیا د هغه په شتون کې دې د دفاع وزیر پر خلکو غږ کوي چې د مرسي د پلویانو پر خلاف مظاهرو ته راووځئ!!

ددې اعلان څه مقصد کیدای شي؟ ایا دا چې د مرسي زمریان پلویان وویروی؛ هغوی چې د اوسپنو نینې یې چیچلې او د فولادي ارادو خاوندان دي او د شکنجو او ظلمونو پر خلاف د اوسپنو په پټیو کې پاخه شوي مؤمنان دي او که په لوی لاس کورنۍ جگړې ته بلنه مقصد دی؟! خبره ښکاره ده چې ددې کار پایله به د کورنۍ جگړې رامینځته کیدل وي او بیا د هغې د عواقبو او پایلو ذمه وار به السیسی، البرادعی، منصور، ببلاوي، عمرو موسی او نور هغه بگیل شوی لویدیځ پاله مصریان وي چې د خپل واک ساتلو لپاره اوس د کورنۍ جگړې قمار هم وهي.

مصري ولس او اسلامی نړۍ پدې باور لري چې د غلا له لیارې راغلی نظام د فولادي ارادو په وړاندې پاتې راغلی او اوس د خپلو ځانونو له محاسبې څخه د ساتلو په نیت غواړي چې مصري ولس په خپلو کې سره وجنگوي، یو ځل بیا خو زره راوتلي د مرسي د مخالفینو مظاهرې ملیوني وښودل شي او د مرسي د پلویانو مظاهرې چې هر ښار او لویه لیار ترې ډکه ده، هغه به لویدیځپاله رسنۍ همغسې کمې ښایي خو نړیوال او په ځانگړې توگه ویښ انساني ضمیرونه یې ویني چې حق له چاسره دی او اکثریت څوک دي. چې پولیس او اردو د یوې ډلې د مظاهرې په وړاندې نا توانه شي نو لویدیځ پاله تش په نامه مشران او په حقیقت کې د مصري ولس او اسلامي امت دښمنان بیا د داسې غږ اړتیا ویني. خو د نړیوالو هم یو مسوولیت جوړېږي چې که په مصر کې کورنۍ جگړه پیل شي او د منطقي انجام په لورې روانه شي نو باید چې دغه بگیل شوو سیسیانو او برادعیانو ته پناه ورنکړای شي؛ ځکه چې د دوی جرم د ادوارد سنودن له کړنې څخه څو میلیونه برابره زیات دی، ځکه سنودن خو له جاسوسۍ پرده اوچته کړې او دوی خپل ولس جنگوي.

فواید روزه از دیدگاه طب



▢ دکتور فیض الله کاکړ

فواید روزه در تعدیل شخصیت

هریکی از هدایات قرآن برای سعادت دنیوی و اخروی انسان دارای ابعاد متعدّد است. روزه که یکی از پنج بنای اسلام است نیز دارای فواید زیاد دنیوی و اخروی می باشد. در جملهٔ فواید دنیوی روزه بهبود صحت جسمی، روانی و اجتماعی می باشد. تحلیل أثرات روزه ای درست و نماز با حضور نشان می دهد که این دو بنای اسلام با تقویت نفس لوّامه و تضعیف نفس امّاره، تعادلی را بین احساس و اندیشه بوجود می آورد. تعادل بین احساس و اندیشه یک جزء فوق العاده مهم صحت جسمی، روانی و اجتماعی انسان است. روزه ارادهٔ انسان را برای کنترول خواهشات نفس، خیلی قوی می گرداند و اراده ای قوی یکی از عوامل خیلی ها مهم برای سعادت دارین انسان است. زیرا نیات منزّه خود را کسی می تواند جامه ای عمل بپوشاند که دارای اراده ای قوی باشد. عکس العمل روزه دار در مقابل کسی که وی را ناسزا گفته اینست که وی مطابق ارشادات اسلام جواب بدهد که "من روزه دارم" و این چنین عکس العمل مستلزم اراده ای قوی می باشد. این نوع برخورد روزه دار در آن قسمت از محتویات شخصیت وی تعدیل می آورد که علمای روحیات آنرا ایگو (نفس امّاره) نامیده اند. مهار ساختن ایگو باعث تقویت اخلاق تواضع، صبر، رحمدلی، درک بهتر حقایق و قضاوت عادلانه می گردد.

فواید صحی روزه

در شروع سال ۲۰۱۳ ذوات چند از محققین طبی انستان بعد از مطالعه صدها تحقیقات انجام شده ، مقاله ای را در مجله ای خیلی معتبر انگلستان راجع به مفاد روزه نشر کردند. این مقاله ثابت ساخت که یگانه طریقه ای تداوی مرض چاقی مفرط که بدون عوارض است ، روزه می باشد. این مقاله همچنان ثابت می سازد که روزه از خراب گردیدن آخذه های هورمون انسولین جلوگیری نموده و مانع امراض چند بشمول مرض شکر می گردد. تحقیقات دیگر نشان می دهد که روزه سلول های جدید را در مغز بوجود می آورد. نموی سلول ها در قسمتی از مغز (Hippocampus) صورت می گیرد که جای حافظه و تعقل انسان است. این اثر روزه برعلاوهٔ بهبود حافظه، و تعقل، ظرفیت آموزش چیز های نو را در اشخاص سالخورده بالا برده باعث تقلیل واقعات امراض مغزی چونAlzheimer (فراموشی شدید زمان پیری) می گردد. روزه هورمون نشو و نمو Growth Hormone را در خون روزه دار ۲۰ چند زیاد می سازد و فعالیت این هورمون باعث تغیرات متعدّد صحی گردیده که یکی آن بهبود صحت قلب و تحفظ عضلات است. سپورت بدنی نیز هورمون نشو و نمو (Growth Hormone) را در بدن ازدیاد می بخشد لذا آنهایی که می توانند، در هنگام روزه سپورت را نیز انجام دهند، از مفاد فوق العاده صحت بخش روزه برخوردار می گردند. روزه همچنان باعث تخلیهٔ بدن از مالیکول های مضر (Toxins) گردیده و التهاب عمومی بدن را کاهش می بخشد و این اثر روزه باعث جلوگیری وقوع تعداد زیاد امراض می گردد. در هنگام روزه وقتی که انسان از چربی بدن برای انرژی کار می گیرد، مواد متعدد دیگر را که در چربی بدن ذخیره گردیده و باعث امراض می گردد نیز از بدن دور ساخته و اطراح می دارد و این مواد شامل ذرات مضر هوایی آلودهٔ شهر هاست که در مواد شحمی انسان جا گرفته اند. در زمان دور کردن شحم، بدن کلسترول خون را نیز کم می سازد و این تغییر خیلی صحت بخش است. برخی از تجارب مشترک روزه داران مخصوصاً کسانی که روزه را بصورت درست آن گرفتند، اینست که روزه باعث خوشی روانی ایشان گردیده و فکر و فهم شان تیز تر و روشن تر می گردد و همچنان انرژی بدن شان خیلی بالا می رود.

یکی از میکانیزم چنین تغییرات روانی از نگاه بیالوژی انسان اینست که در هفتهٔ دوم ماه روزه و بقیهٔ آن ترشح هورمون های اندورفن در خون نیز زیاد می گردند این هورمون ها انسان را آرام، خوش و بیدار نگه می دارد و لذا هورمون های اندورفن صحت روانی انسان را خیلی بهبودی می بخشد. کمبود اندورفین در مغز انسان ها یکی از فکتور هایست که شخص را وامیدارد تا در جستجوی مواد نشه آور باشد. برخی از معتادین به کمبود شدید اندورفین دچارند. از اینکه روزه می تواند ترشح هورمون اندورفین را بالا ببرد، گرفتن درست روزه در بین جوانان می تواند در کاهش اعتیاد به مواد مخدر رول مهم را داشته باشد.

طریقهٔ بهتر صرف غذا و مایعات

اکنون که از روزهٔ درست (مطابق طب) نام بردیم لازم است در ایام مبارک رمضان نقاط چند که مراعات آن فواید جسمی و روانی روزه دار را بیشتر می سازد عرض گردد:

۱ -خوردن زیاد غذا بعد از افطار روزه و آن هم غذاهای خیلی چرب و یا خیلی شیرین فواید صحی روزه را زایل می سازد. در ماه مبارک رمضان مخصوصا در هنگام سحر باید غذای مصرف گردد که در آن الیاف (Fiber) زیاد بوده و نیز دارای مواد نشایستهٔ مغلق و پروتین باشد. این نوع غذا ها عبارت اند از سبزیجات، میوه جات، دال، نخود، لوبیا، نان سبوس دار و غیره. پوست میوه جات دارای الیاف صحت بخش است و مصرف غذا های مملو از الیاف به آهستگی هضم گردیده و شخص روزه دار به مشکلات کمی انرژی در طول روز دچار نمی گردد. در هنگام سحر غذا همچنان باید دارای مواد پروتینی و کمی شحم باشد. غذا های پروتین دار عبارت اند از گوشت، لوبیا، نخود، دال، ماهی، تخم مرغ، ماست، شیر و غیره که باید در خوردن آن طریقهٔ مسنونه که صرف غذا قبل از آنکه سیر گردیم، بس نمائیم، مراعات گردد.

۲- از خوردن غذا هائی در روغن سرخ شده باید جداً پرهیز گردد. استفاده از پکوره، سمبوسه، چپس کچالو وغیره غذا هائی که در روغن سرخ می گردد و عادت مردم ما در ماه روزه گردیده به صحت مفید نیست. همچنان خوردن شیرینی باب در ماه روزه (غیر از شیرینی ای که در میوه جات موجود است) برای صحت مفید نمی باشد. (در کیک وکلچه ای که درین منطقه جهان پخته می گردد نه تنها روغن زیاد است بلکه روغنی که در آنها استعمال گردیده اکثراً روغن های غیر صحی می باشد. روغن نباتی جامد که اکنون در بازار های کشور به فروش می رسند، روغن صحی نیست.

۳- مشکل بزرگ مردم در ماه روزه تشنگی است. برای رفع این مشکل لازم است که شبانه بعد از افطار مایعات زیاد نوشیده شود تا مایعات ضایع شده جبران گردد. همچنان، در وقت سحر مایعات زیاد که بهترین آن آب پاک صحی (نه کوکاکولا و غیره نوشیدنی های گاز دار) است نوشیده شود. ص۷

مروری بر برخی حوادث امنیتی

○ فیض

۲۸سرطان:

• به گزارش رسانه ها، عبدالله یکی از قوماندانان طالبان در ولایت پکتیکا هنگامی که با دیگر همکارانش در حال ساخت ماینی در منزل خویش بودند، با انفجار این ماین شش عضو خانواده اش – پنج کودک و خانمش – را از دست داد.

• مقام های ولایت پروان گفته‌اند که زد و خورد مسلحانه میان اعضای دو خانواده، هفت کشته و سه زخمی به جا گذاشته است. این درگیری ناشی از اختلافات خانوادگی افراد مسلح در منطقه گذره پایین ولسوالی جبل‌السراج بر سر زمین خوانده شده است که در سال های گذشته همچنان ادامه داشته است.

۲۹سرطان:

• در خبرنامهٔ ریاست عمومی امنیت ملی آمده است که، سه تن تروریست پاکستانی باشنده گان ضلع دیر، چهار منگ و باجور اجنسی که غرض انجام فعالیت های تروریستی، تخریبی و ماین گذاری وارد ولایت ننگرهار می گردید با یک مقدار جنگ افزار دستگیر نموده است. همچنان دو تن تروریستان را با مقدار (۲۰۰۰) کیلو گرام امونیم نایتریت که در ساخت مواد انفجاریه، ماین های کنار جاده، موتر بم ها از آن ها استفاده بعمل می آید در شهر جلال آباد دستگیر نموده است.

• به گفتهٔ سخنگوی والی هلمند به رسانه ها، بر اثر انفجار یک بمب در ولسوالی مارجه ی ولایت هلمند، در زیر یک پل جاسازی شده بود و به هدف انهدام یک رنجر پولیس انفجار داده شد. ۶ تن کشته و زخمی شدند.

• سخنگوی فرماندهی پولیس ولایت قندوز گفته است: در اثر درگیری میان نیروهای امنیتی و شورشیان طالب، در منطقهٔ یتیم، فرمانده ارشد طالبان به اسم قوماندان فور کشته و سه تن دیگر زخمی شدند.

• افراد ناشناس یک مکتب دخترانه را در قندوز به آتش کشیدند.

• به گفتهٔ سخنگوی ریاست معارف ولایت قندوز به رسانه ها، افراد ناشناس یک مکتب دخترانه را در منطقه آلاچین قندز به اتش کشیدند.

۳۰سرطان:

• دستگیری یک تن از سرگروپان مهم طالبان در ولایت بدخشان از سوی پولیس استخبارات

• در خبرنامهٔ وزارت امور داخله آمده است که، نورالدین مشهور به پهلوان یک تن از سرگروپان طالبان با همکارش در ولسوالی وردوج ولایت بدخشان از سوی منسوبین پولیس مدیریت استخبارات آن ولایت دستگیر گردیده اند. موصوف مسوول عمومی سازماندهی و طراح حملات مسلحانه، انفجارات و سرگروپی گروه تروریستی را در ولسوالی وردوج و سایر نقاط ولایت بدخشان بر عهده داشت.

۳۱سرطان:

• سخنگوی پولیس ولایت ننگرهار به رسانه ها گفته است، یک پولیس زن را در ولایت ننگرهار هنگامی که از ولسوالی مهمند دره به شهر بر می گشت در مسیر شاهراه تورخم آماج حملهٔ طالبان مسلح قرار گرفت و جان باخت.

• مقامات امنیتی ولایت قندهار گفته اند، در اثر انفجار ماین کنار جاده ای در ولسوالی پنجوایی ولایت قندهار یک پدر با دو پسرش کشته شده است.

اول اسد:

• در خبرنامهٔ ریاست عمومی امنیت ملی آمده است، مؤظفین این ریاست طی یک عملیات در مربوطات قریهٔ صافیان شهر لشکرگاه یک گروپ (۴) نفری اختطاچیان را به اتهام اختطاف اسامی احسان الله فرزند نثار احمد بالفعل موقعی که می خواست از فامیل نامبرده مبلغ ۱۴۰۰۰۰ دالر امریکائی بدست آورد، دستگیر نمودند.

• در یک اقدام دیگر مؤظفین ریاست عمومی امنیت ملی در مربوطات شهر لشکرگاه، اسامی جمال الدین سردستهٔ اختطاف چیان که شخصی را به نام محمد فرزند حسین از ولایت فراه اختطاف و به ولایت هلمند غرض نگه داری انتقال داده بود، دستگیر نموده اند.

۲ اسد:

• سخنگوی لوای سه قل اردوی ۲۰۳ تندر در صحبت با رسانه ها گفته است که، چهار تروریست پاکستانی در ولسوالی اندر غزنی، حینی که قصد داشتند بمبی را در کنار یک مسجد در منطقهٔ "جوی چهار" ولسوالی اندر کارگذاری کنند شکار بمب کارگذاری کردهٔ خودشان شده، کشته شدند.

۳ اسد:

• کاروان موترهای حامل والی و شماری از اراکین بلندرتبه دولتی غزنی در منطقه "بینی کوه باد" واقع در ساحه یونت مرکز شهر با کمین طالبان روبه رو شد. مقامات دولتی قصد افتتاح پروژه میدان هوایی را داشتند که هدف این کمین قرار گرفتند. اما این حادثه تلفاتی در پی نداشته است.

• پولیس قندوز از انفجاری مهیب در بندر کابل شهر قندز خبر می دهد که باعث کشته شدن سه نفر و زخمی شدن چهار تن دیگر شده است.

• به گزارش رسانه ها، گفته شده است در انفجاری که در ولسوال آقچه ولایت جوزجان به وقوع پیوسته است. یک تن کشته و هشت فرد دیگر زخمی شدند.

توانمندی پاکستان و توقع ...

آغاز مذاکرات با مخالفین مسلح برداشته نشده و دورنمای روشنی هم برای این کار به نظر نمی رسد.

وقتی ما سیاست های حکومت افغانستان در رابطه با پاکستان را بعد از سال ۲۰۰۱ به بررسی می گیریم، آنرا تقریباً ادامهٔ سیاست های حکومت های قبل از طالبان می یابیم که می گفتند دشمنان ما مزدور پاکستان اند و برای حل مشکل باید با پاکستان به تفاهم برسیم. کمونیست ها مجاهدین را مزدور پاکستان می دانستند و زمانی هم که حکومت داکتر نجیب سرنگون شد، حکومت مجاهدین برهبری استاد ربانی مخالفین خود را مزدور پاکستان می خواند درحالیکه احزاب شامل حکومت مجاهدین قبلا از جانب رژیم قبلی متهم به مزدوری به پاکستان بودند.

متهم ساختن مخالفین به مزدوری به پاکستان در طول چندین دهه هیچ مشکلی از مشکلات افغانستان را حل نکرد و به بسیج ملت علیه پاکستان منجر نشد. دلیل این امر وابستگی اقتصادی است که افغانستان به پاکستان دارد. وقتی برای یک روز مرز تورخم از جانب پاکستان بسته می شود، قیمت ها در بازار های افغانستان سیری صعودی را می پیماید و این نشان از عمق وابستگی ما بعنوان یک کشور محاط به خشکه به پاکستان دارد. وابستگی به پاکستان را نیروهای خارجی در افغانستان هم تجربه کردند.

این نکته را باید در نظر گرفت که میزان نفوذ پاکستان بر طالبان در حدی نیست که دولت مردان این کشور وانمود می سازند بخصوص این نفوذ در بخش سیاسی و پروسهٔ صلح چشمگیر نیست و در مورد این نفوذ در گذشته نیز سخت مبالغه شده است. اگر پاکستان بر طالبان از چنان نفوذ گسترده برخوردار می بود، پس چرا در دوران حاکمیت طالبان، پاکستانی ها نتوانستند ملا محمد عمر را وادار سازند تا اسامه بن لادن را به امریکا تحویل بدهد و از این راه حکومت طالبان که به نفع پاکستان بود، در افغانستان برقرار باقی بماند؟ مگر نمی گویند که پاکستان در صدد بازگرداندن طالبان به قدرت است تا منافع پاکستان را تامین نمایند؟ پس چرا در آن زمان طالبان را وادار به این کار ننمود تا هم امارت اسلامی طالبان بر سرقدرت باقی می ماند و هم پاکستان به اینهمه مشکلات مواجه نمی شد؟

کمک به جنگ و ناامنی در کشوری چون افغانستان، تا زمانی که یک گروه ناراضی در آن کشور وجود داشته باشد، کار دشواری نیست اما چنین کمک الزاماً به معنی نفوذ کامل و تحت سلطه داشتن ابدی چنین گروهی نیست. مثال عمدهٔ آن مجاهدین افغان اند که چهارده سال از کمک های همه جانبه از جانب پاکستان برخوردار بودند اما بعد از بازگشت به کشور، در مخالفت با اهداف پاکستان قرار گرفتند.

***

بزرگترین نیروی نظامی عصر نیز درحال عقب نشینی از افغانستان است و آنانی که گمان داشتند با کمک خارجی می توان مخالفین را نابود کرد و از این طریق صلح را در این کشور جنگ زده برقرار نمود، اشتباه آنانی را که نیروهای اتحاد شوروی را به افغانستان آوردند، تکرار کردند. اکنون یکبار دیگر این تجربه در افغانستان تکرار می شود که هیچ نیروی خارجی قادر به حل مشکل افغانستان نیست و با در نظر داشت این تجربه، در آینده هیچ نیروی نظامی خارجی بار دیگر به افغانستان فرستاده نخواهد شد و لشکر کشی دیگری در کار نخواهد بود.

فواید روزه از دیدگاه...

در هنگام روزه استعمال مایعات که در آن مواد کافین باشد به حد اقل مصرف گردد. نوشابهٔ کافین دار عبارت اند از کوکاکولا، چای، قهوه، وغیره. دلیل اینکه این نوشابه ها استعمال نگردند، اینست که کافین یک مادهٔ مدر (ادرارآور) است و باعث اطراح آب از بدن می گردد و کمی آب بدن باعث امراض و مشکلات صحی متعدد شده می تواند. از اینکه امسال ماه روزه در فصل گرما آمده، مایعات بدن توسط عرق ضایع می گردد و با ضایع شدن مایعات یک تعداد از منرال های بدن بشمول نمک بدن نیز کم می گردند. لذا توصیه می گردد که اگر داکتر شما را از نمک پرهیز نداده باشد، مقدار نمک خود را در هنگام سحر کمکی زیاد بسازید. شما همچنان می توانید پاکت های (نمکول) را که برای تداوی اسهالات در بازار موجود است خریداری کرده و یک مقدار خیلی کم آنرا با آب مصرف کنید. این کار شما باعث آن می گردد که مایعات و منرال های بدن تان در ماه روزه کم نگردند و هم از مفاد صحی روزه برخوردار گردید. اطفالی که عمر شان از ۸ سال کم تر است از نگاه طب نباید تمام ماه رمضان را روزه بگیرند. از نگاه طب مادران باردار و شیرده نباید روزه بگیرند و اینکه چگونه روزه را جبران کنند دین برای شان واضح ساخته است. کسانی که به امراض سنگ گرده مبتلا اند، یا مرض شکر دارند و یا فشار خون شان بلند است لازم است که با داکتر خود مشوره کنند که آیا روزه بگیرند یا خیر و به اساس نظر داکتر تصمیم بگیرند.

ماه رمضان ماه تقویت اراده و نجات انسان از عادات مضر است این ماه بهترین وقت برای خلاصی از اعتیاد به سگرت، الکول و مواد مخدر است. از برکت این ماه باید استفاده کرد تا آنهایی که معتاد اند، به تدریج خود را از عادت خطر ناک سگرت، الکول و مواد مخدر نجات دهند. در ماه روزه فعالیت استقلاب (قدرت هضم و به مصرف رسانیدن غذا برای تولید انرژی) بدن ما نیز کم می گردد و این برای آنست که بدن ذخیره های انرژی خود را در زمان روزه داری و یا زمان قحطی بصورت خیلی اقتصادی بمصرف برساند. ما با همین فعالیت کم شده به استقبال عید می رویم و اگر در خوردن غذاها احتیاط نکنیم و به اصطلاح بعد از ختم روزه در هنگام عید و بعد از آن پرخوری نمائیم چون فعالیت استقلاب بدن پائین است بسیار به زودی وزن بدن ما زیاد می گردد و کلسترول خون نیز بالا می رود. پس توصیهٔ من اینست که بعد از روزه، غذا کم مصرف گردد مخصوصاً از غذاهای روغنی و یا بسیار شیرین باید خیلی کم استفاده گردد. و در عوض سه بار غذا شما می توانید چهار یا پنج بار در روز غذا مصرف کنید ولی هر بار غذا را خیلی کم مصرف کنید. تعداد دفعات مصرف غذا در روز باعث آن می گردد که به تدریج استقلاب بدن شما فعال تر گردد. تعدد دفعات مصرف کم غذا از رسوب شحم و چاقی نیز جلوگیری می کند.

خلاصه باید عرض کرد که در روزهای عید و هم در طول هفتهٔ بعد از آن غذا کم مصرف گردد و غذا شامل سبزیجات و میوه جات باشد و هم مایعات صحی زیاد مصرف گردد.

روزه یکی از آن نسخه های الهی است که به اذن خالق لایزال با آوردن تغییرات مثبت در صحت و شخصیت انسان باعث سعادت دارین وی می گردد. نگهداری این تغییرات مثبت در یازده ماه بعدی سال قدمیست در جهت تزکیهٔ نفس روزه دار و بهبود صحت جسمی، روانی و اجتماعی وی.

بکمک خالق لایزال عملی کردن این توصیه ها باعث آن خواهد شد که از روزه ماه مبارک رمضان بهرهٔ بیشتر و دوام دارتر داشته باشید. به امید سعادت مسلمانان و به امید صلح و سلم در کشور.

هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

دور ششم –سال دوازدهم – شمارهٔ هجدهم ۵ اسد ۱۳۹۲ ۱۸ رمضان المبارک ۱۴۳۴ - 27 July 2013

●مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف‌ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

د سرتاج عزیز کابل ته راتگ او ورسره لرلې هیلې

زهیر

په پاکستان کې د مئ په یوولسمه نیټه د ټاکنو د ترسره کیدو په پایله کې د محمد نوازشریف صدراعظمۍ ته له رسیدو سره سم دا هیلې پیدا شوې وې چې کیداې شي نوی پاکستانی صدراعظم د افغانستان د واکمن رژیم او وسله والو مخالفینو او هم د پاکستان د نوي حکومت او د هغه هیواد د وسله والو طالبانو ترمینځه د روغې جوړې او مذاکرې دروازې خلاصې شي؛ ځکه د نواز شریف مسلم لیگ گوند د خلکو گوند په پرتله د خپلې اسلامي انتماء له مخې له طالبانو سره نږدیوالی لري او هم د نوازشریف واک ته له رسیدو د مخه د پاکستاني طالبانو لخوا د نوازشریف د گوند، جماعت اسلامي او د فضل الرحمن د جمعیت العلماء اسلام گوند مینځگړتیوب، پیشنهاد شوی وو چې د طالبانو او حکومت ترمینځه اختلافات حل کړي.

خو په پاکستان کې د ډراوون الوتکو د بمباریو د نه ودریدو لامله چې نوازشریف په خپل ټاکنیز کمپاین کې شعار گرځولی وو، ددغه هیواد د طالبانو سره د نوازشریف اعتبار هم زیانمن کړ او داسې څرگنده شوه چې د نواز شریف لخوا هم، په پټه کې پدغو بمباریو باندې خوښې شته دی. او د افغانستان په اړه، بیا په قطر کې د طالبانو د سیاسي دفتر په خلاصیدو سره د افغانستان دولت او طالبانو ترمینځه د سولې په لیار کې د مخکې تگ هیلې پیدا شوې وې خو د اسلامي امارت په نوم د دفتر په خلاصیدو او د طالبانو د سپین بیرغ په دغه دفتر باندې د ودرولو موضوع افغان دولت شکمن کړ او په جدي توگه یې د سپین بیرغ او امارت نوم د لوحې ښکته کولوغوښتنه وکړه، چې دا کار عملی شو خو په ځواب کې د یو څه ځنډ وروسته د طالبانو دریځ پدې توگه څرگند شو چې په مؤقته توگه یې خپل دفتر وتړلو او لدې کار سره نورې گنگوسۍ او بدگمانۍ هم د افغان دولت په وړاندې د امریکا او پاکستان په اړه پیدا شوې او د تیرې چهارشنبې په ورځ د ولسمشر کرزي د دفتر رئیس (خرم) په څرگندونو کې دغه شف شف تر شفتالو ورسیده. چې ورسره سم په همدې ورځ په پاکستان کې د انگلستان د بهرنیو چارو د وزیر (ویلیم هیگ) او د پاکستاني صدراعظم دامنیتي چارو او بهرنیو اړیکو مشاور (سرتاج عزیز) ترمینځه د افغانستان د سولې په اړه د رامینځته شوي خنډ په هکله لیدنه کې او



وروسته په مطبوعاتي کنفرانس کې سرتاج عزیز وویل چې د شنبې په ورځ به افغانستان ته سفر وکړي، څو د پاکستان لخوا ولسمشر کرزي ته پاکستان ته د سفر کولو هغه دوه ځلې غوښتنه عملي شي چې د نواز شریف د صدراعظم کیدو پر مهال د نوموړي لخوا نوازشریف ته د مبارکۍ ورکولو په وخت کې ورڅخه نواز شریف کړې وه او کرزي ویلې وو چې پدې شرط به دا سفر ترسره کړي چې د یو مسوول پاکستاني مقام لخوا افغانستان ته په راتگ سره دده د سفر لپاره لازمه ایجنډا ترتیب شي، څو سفر یې منتج تمام شي. چې هغه وخت اوس راورسیده او د ویلیم هیگ او عزیز ترمینځه کتنه کې دواړو لوریو په افغانستان کې د سولې په اهمیت ټینگار شوی وو؛ ددغو دواړو مسوولو مقاماتو په لیدنه کې د سولې په هکله د رامینځته شوي خنډ په توگه دوه ټکي په گوته شوي وو؛ چې یو د طالبانو د اسلامي امارت د بیرغ او لوحې کوزول او بل د طالبانو لخوا د افغانستان د سولې شورا سره (چې طالبانو ته ډیره د اعتبار وړ نده) د مذاکراتو لپاره تیارول دي.

که چیرې پورتنیو دوه ټکو ته د عمده خنډونو په توگه وکتلی شي نو دواړه د یو بل په وړاندې گواښ ښکاري؛ ځکه افغان دولت د سولې بهیر د سولې د شورا پرته نه غواړي او طالبان په خپل بیرغ او د اسلامي امارت لوحې ودرولو ټینگ ولاړ دي، همدارنگه د طالبانو دوه نور عمده شرطونه چې د بهرنیو پوځونو بشپړ وتل او د اساسي قانون نه منل دي، هم له پخوا څخه د شرطونو په توگه شتون لري مگر د امریکایي مقاماتو د طالبانو سره د مذاکراتو لپاره قطر ته له سفر څخه داسې څرگنده شوه چې ښایي طالبان پدې هکله نرمي وښایي او یا په بل عبارت لومړۍ موضوع پخپله د امریکایي مقاماتو سره په لیدنه کې مطرح کړي؛ چې تل د طالبانو لخوا د بنیادي شرط په توگه وړاندې شوې ده او دوهمه موضوع بیا وروستۍ مسئله گڼل کیږي.

خو د سولې شورا ترکیب لکه چې له پخوا څخه د پوښتنې لاندې وو او ډیرو افغان مطرحو سیاستوالو ته هم د منلو وړ نه دی، همدارنگه طالبان یې هم د افغان حکومت د یو رسمي لورې پرته په بل نوم نه پیژني؛ ښایي د افغان دولت د نماینده لورې په توگه یې طالبان ومني خو هغه چې د افغان دولت په وړاندې د تجزیې بوې لرونکې موضوع ده، هغه د اسلامي امارت د بیرغ او لوحې موضوع ده، همداسې جنجالي موضوع پاتې شي. نو ځکه پدې هکله، ښایي چې تر څو د انگلستان او امریکا اغیز نه اوسي د دواړو لوریو ترمینځه نږدیوالی رامینځته نشي او یا دا چې د افغان دولت پر ځاې د یو مؤقت حکومت د رامینځته کولو موضوع هم مطرح شي کومه چې د ځینو غیر دولتي سیاسي شخصیتونو په وړاندې هم د منلو وړ ده او ډیر ځلې په افغان دولت باندې د یو فشار په توگه رامینځته کیږي. د سرتاج عزیز کابل ته له راتگ وروسته چې د خپلې لیدنې پر مهال یې ولسمشر کرزي ته پاکستان ته د سفر بلنه هم ورکړه،د افغانستان او پاکستان ترمینځه اړیکو د ښه والي چانس پیدا شوی دې دا چې د پاکستان لخوا پدې هکله د مرستې په توگه څه پیشنهادونه او طرحې یې له ځانه سره لرلې او تر کومه یې یو بل قانع کړی دي، په وروستیو کې به څرگنده شي خو دا یو حقیقت دی چې نواز شریف د سولې پر مخ بیولو کې کولاې شي گټور رول ولوبوي؛ ځکه نوموړی یو تجربه کار سیاستوال دی او له بلې خوا د افغان دولت اوسنی بنیاد هم د نواز شریف په هغه مجلس کې د ټاکل شوو څیرو وارث دی چې یوه نیمه لسیزه وړاندې د مجاهدینو افغانستان ته د راننوتلو پر مهال د واک د ویش په توگه د نوموړي سره په ناسته کې رامینځته شوې وې او حضرت صیب پکې د دوه وو میاشتو لپاره ولسمشر غوره شوی وو؛ وکتلې شي چې د سرتاج عزیز له کابل څخه لیدنې وروسته د دواړو هیوادونو ترمینځه رامینځته شوې ترینگلې اړیکې څه بدلون مومي.

عراق د امریکا له وتلو وروسته!

◇رفیق بحر

د نن څخه نږدې یوولس کلونه وړاندې افغانستان ته د امریکایانو له راتگ څخه یو کال وروسته په عراق هم امریکایانو یرغل وکړ او د دیکتاتور صدام حسین د حکومت نسکورولو او په عراق کې د کیمیاوي وسلو د له مینځه وړلو په پلمه، امریکا دغه هیواد ته ننوتله او د څو کلونو په دوران کې یې په عراق کې د یوې اوږدې کورنۍ جگړې لپاره داسې کړنې ترسره کړې چې نن یې هم نړیوال ویني چې هره ورځ پکې په لسگونو انسانان خپل ژوند له لاسه ورکوي. عراق د امریکا له وتلو وروسته عملا په دریو هیوادونو ویشل شوی چې یوه د شیعه وو د نفوذ سیمه، بله د کردي عراق برخه او بله هم د سني نفوذ سیمه ده. امریکا عراق ته له ننوتلو څخه دمخه ادعاء کړې وه چې د صدام حسین ولسمشری او پدې هیواد کې د کیمیاوي وسلو شتون د نړۍ لپاره گواښ دی خو اوس چې د عراق په جگړه دادی یوولس کلونه تیریږي، عراقیان د خپل دیکتاتور ولسمشر څخه خلاص شوی چې د عراقي ولس پر خلاف د ظلم اوږد تاریخ لري.

دا سمه ده چې په حلبچه او کردي میشتو سیمو کې صدام حسین د بشریت ضد کړنې ترسره کړې وې او په زرگونو بې گناه انسانان یې وژلي وو خو د صدام حسین محاکمه کول د یوې داسې واکمنۍ په شتون کې چې د بهرني یرغل پایله وه، نوموړي ته نور هم په عراقي ولس کې محبوبیت په برخه کړ؛ ځکه که هغه ظالم وو نو باید چې د یو خپلواک عراقي نظام په شتون کې محاکمه شوی واې، نه دا چې د امریکې د یرغل په نتیجه کې د یو حاکم نظام لخوا محاکمه شي.

پاتې شوه د عراق د کیمیاوي وسلو خبره چې د امریکا د یرغل پلمه وه، نو تر اوسه خو ددې ثبوت پیدا نشو چې عراق کیمیاوي وسلې لرلې او یا دا چې امریکایانو دغه کیمیاوي وسلې پیدا کړې هغه چې په احتمالي توگه د نړۍ لپاره گواښ گڼل کیده، مگر د (نورمالکي) واک ته په رسیدلو سره نه دا چې د سني اکثریت ژوند هره شیبه له گواښ سره مخ دی بلکې ډیر شیعه وگړي هم د نوموړي له ظالمانه واکمنۍ او په عراق باندې د امریکایي برید له پایلو څخه سرټکوی؛ په عراق کې مذهبی مقدس ځایونه او مزارونه هره ورځ له بریدوونو لاندې دي، د شیعه او سني کورنۍ جگړې له عراقي ولس څخه امن ترورلی او خوبونه یې تښتولي دي؛ کله جومات د برید لاندې وي او کله امام بارگاه، کله د شیعه ډلې اجتماع ځاې په نښه کیږي او کله د سني وگړو؛ چې دا د امریکا هغو عراقیانو ته تحفه ده چې د صدام حسین له ظلمونو څخه یې ځانونه د امریکا په ټانکونو خلاصول.

د روان کال په شپږو میاشتو کې د ترسره شوو بریدونو او انفجارونو لامله د دري زرو په شاوخوا کې عراقیان د مرگ کومې ته تللي او وژل شوي دي؛ چې یوازې د جولایې په روانه میاشت کې د وژل شوو شمیره شپږ سوه وو انسانانو ته رسیدلې ده او پکې د پولیسو او امنیتي ارگانونو څخه د ملکي وگړو شمیره څو برابره زیاته ده.

عراق ته د امریکا له راتگ وروسته چې د هغوی په شتون کې په (الغریب) او نورو زندانونو کې په بندیانو کوم ظلمونه ترسره شوي او یا هم په گوانتانامو کې ترسره شوي، د امریکا په اړه یې د نړیوالو اذهان اوس روښانه کړي دي چې څومره د بشر حقونو ته ژمنه ده؛ له هماغو ظلمونو څخه په پرده پورته کیدو سره چې له جنسي تیریو څخه نیولې تر په سپیوداړلو پورې پکې شامل وو، نن عراقي ولس د نورمالکي د گوډاگی رژیم پر خلاف راپورته کړې وسله په ځمکه نه ږدي؛ پداسې حال کې چې عراقي ولس ورته د گوډاگي رژیم په سترگه گوري. په تیره اونۍ کې د عراق د واکمن رژیم پر خلاف حملو کې د الغریب او یو بل زندان څخه په سلگونو بې گناه انسانان هغه وخت ووتل چې د دولت مخالفینو په دغو زندانونو درنې حملې وکړې او په توغندیو یې د زندانونو دروازې ونړولې او بندیان ورڅخه په وتلو بریالي شو. چې اوس یې د نورمالکي حکومت د بیرته نیولو لپاره هڅې پیل کړي دي مگر نا ممکنه بریښي چې د مالکي په څیر کاواکه حکومت نور په عراق حاکم پاتې شي؛ ځکه د عر اق په پایتخت بغداد او مرکزي ښارونو کې دولتي اداري او امنیتي ځایونه هره ورځ په نښه کیږي او د مخالفینو د بریدونو لاندې نیول کیږي. نو اوس د سني او شیعه مذهبي قیادتونه ته پکار ده چې له خوبه راویښ شي او په عراق کې د یو سالم نظام رامینځته کولو لپاره په نړیواله سطحه هڅې وکړاې شي، ورنه عراق به نور هم له بربادیو سره مخ شي.



مروری بر برخی حوادث امنیتی

ص۵